بنیاد ایرانبانان
The Cultural Foundation of Iranbanan

# آذربایجان، تاج سر ایران

**نوشته : کاوه ایرانی**

●روش اول: گفتمان●
بعضی ها معتقدن که آدم نباید از همون اول بره سراغ خشونت ورزی، چون که حیفه، مزه اش می ره. پس اول باید سعی کنیم خیلی متمدنانه بشینیم سر یه میز و با سوسک ها گفت وگو کنیم. اما مشکل اینجاست که سوسک، زبون آدم حالیش نمی شه. دستور زبان سوسکی هم آنقدر سخته (هنوز هیچ کی درست نفهمیده کدوم فعل هاشون ing می گیره) که هشتاد درصد خود سوسک هام بلد نیستن و ترجیح می دن به زبون های دیگه حرف بزنن. وقتی سوسکا زبون خودشونو نمی فهمن، شما چه جوری می خواین بفهمین؟! واسه همین مذاکره به بن بست می رسه و روش های شیرین خشونت آمیز لازم می شه!

●روش دوم: قطع منابع غذایی●
قبل از اینکه دست به دمپایی شین و خین و خین ریزی راه بندازین بد نیست از روش های اساسی تری مثل قطع منابع غذایی استفاده کنین. می دونین که سوسک ها بیشتر توی چاهک توالت زندگی می کنن و غذای اصلی شون... آره دیگه، همونه! پس برای اینکه دستشون به غذا نرسه باید به مدت، تولیدات خوراکی اونا رو تعطیل کنین. یعنی طرف توالت نرین. دو ماه که به جاش توی باغچه و پای درخت ها کارتونو کردین، هم غذای سوسکانه می کشه و از گشنگی منقرض می شن، هم گل ها بهتر رشد می کنند و باغچه تون سرسبز می شه!

باز کاریکاتور این هنر طنز مسئله آفرید، اینبار کاریکاتور برای مذهب خاصی که نه بلکه با کمک از یک واژه به زبان آذری ظاهرا مشکل آفریده، مشکلی که بعنوان یک اتحاد بسیار هم خوب است به شرطی که این بازی برای یک ملت مشکل آفرین نگردد، بقول معرف توپ را مجددا تو زمین خودی بر نگرداند، باید گفت با این واژه به زبان آذری توهین شده و از این رو یک اتحاد در تمام کشور بوجود آورد و سایر هم میهنان را هم وارد این ماجرا کرد یعنی فارس و کرد و لر و ترکمن و خراسانی؛ خوزستانی و . . . . . همگی مدعی باشند ولی اجازه داده نشود که به بهانه یک زبان محلی توهین به یک ملت انجام گیرد، آیا باید جلوی هر کاری را گرفت ؟ من معمولا جوک یاد نمی گیرم ولی شاید ده ها جوک درباره ترک ها و گیلانی ها و سایر هم میهنان دیگر شنیده باشم، آیا پس از کاریکاتور باید جلوی جوک ها را هم گرفت ؟ آیا برای کاریکاتور در مورد یک واژه حال به زبان آذری شرایطی را بوجود آورد تا ملیت مان دچار دردسر گردد و خودمان اجازه دهیم تا عده ای که منتظر نشسته اند از این آب گل آلود ماهی بگیرند، شروع کنند به این که نباید ناسیونالیست بود و باید فقط آزاد بود و هر آنچه که لازم است و هر که می خواهد بگوید ولی همین که بر خلاف مارکس و لنین سخنی به میان آید بلافاصله بحث می شود بحث ارتجاع؛ این نوکران اتحاد نا مقدس سرخ و سیاه پس از ملایان برای خودشان خوابها دیده اند که صد البته باید گفت خوش خواب باشند ولی این عده معدود را نه انگلیس و نه پس مانده های روسیه و چنین و کوبا نمی توانند به راه بیاندازند و اصلا شرایط دیگر آن شرایط

سابق نیست که یک جوان از روستایی دور به دانشگاهی راه بیابد که اگر نبود درایت بنیانگذار ایران نوین، رضا شاه بزرگ و مدیریت شاهنشاه آریامهر، دانشگاهی در کار نبود و آن جوان جویای نام روستاهای دور امکاناتی برایش فراهم نمی شد که بتواند به تحصیل ابتدایی بپردازد؛ چه رسد به این که به دانشگاه راه یابد و پس از دو ماهی که پایشان به دانشگاه می رسید طوری آنها را مسخ می کردند که می شدند چریک و هم به خودشان و هم به کشورشان لطمه می زدنند و اگر از این منادیان آزادی که بجز برابری به هیچ چیز دیگری هم رضا نمی دهند سوال شود که خوب این آزادی و برابری را که می گوید چه الگویی برای آن می توانید ارایه دهید ؟ خواهند گفت که ما همین چند نفر کمونیست بجا مانده از عصر پیش از تاریخ نخستین انسان های روی زمین هستیم که بهتر از مارکس و لنین کمونیست را پیاده خواهیم کرد، این وعده براستی چند آدم ساده لوح را خواهد فریفت! ؟ سوالی است که در آینده یقینا به آن پاسخ داده خواهد شد. ولی آنچه بعنوان الگو از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و یا دیگر اقمار کمونیست بجا مانده یک کشور عقب افتاده با مردمانی که برای قدری پول خودفروشی می کنند؛ متاسفانه به علت اشغال ایران توسط عده ای دین فروش این امکان برای همه هم میهنان ما میسر نیست تا از چند و چون فاجعه کمونیستی با خبر گردند، ولی تا ابد در بر این پاشنه نخواهد بود.

اما آنچه مسلم است به بهانه دفاع از زبان آذری کسی حق ندارد که به ملیت آنها توهین کند که ملیت بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد، و اگر زبان را وجه المساله قرار دهیم و برای هر زبان بجای اقوام از واژه ملیت استفاده کنیم؛ با این شکل بجای ایجاد اتحاد یک نفاق ملی بوجود می آید که ملت ایران از فارس زبان گرفته تا آذری زبان و کرد زبان و . . . . . .جمعیت هفتاد میلیونی حال حاضر ایران و نسل های آینده همگی متضرر این وضعیت خواهند شد و فقط دشمنان ایران خواهند بود که به سود سرشاری خواهند رسید مانند عراق که در حال حاضر اصلا مشکل مثل اینکه نفت آن کشور که به یغما می رود نیست و در پایان هم آمریکا عزیز و گرامی تمام هزینه های خود را برای مردمان عراق صورت حساب خواهد کرد و حتما هم کسی حق نخواهد داشت که سوال کند که در این مدت چه بلایی سر چاه های نفت آنها آمده است؛ و همین چپاولگران فردا جلوی ایادی و نوکران خود تکه نانی خواهند انداخت تا همچنان با شعار و نه شعور آزادی و برابری سعی در ویرانی میهن مان نمایند.

روانشاد پدرم از آزادی دوباره آذرآبادگان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و برگشت این خطه از کشور به مام میهن برای ما تا آخرین لحظات حیاتش می گفت و سرودی می خواند؛ آذربایجان تاج سر ایران . . . . . .

خاک آذربایجان یعنی وطن؛ یعنی همه ی ایران این عده که با هزینه اجنبی به راه افتاده اند تا تبلیغات سوء نمایند بدانند که حتی یک وجب از خاک ایران از ایران جدا نخواهد شد تا یک ایرانی زنده است، اما من فارس زبان با ایرانی لر زبان و کرد زبان و . . . . . همه یک صدا فریاد خواهیم زد که چرا به زبان آذری توهین شده و این مورد را برای همبستگی ملی بکار خواهیم برد و آنرا با مداخلات انیرانی در دانشگاه های کشور که اتفاقا این مورد هم در طول این بیست و هفت سال سابقه داشته پیوند خواهیم زد تا با همبستگی در جنبش رستاخیز ملی دست به یک نافرمانی مدنی بزنیم.

اینکه مردمان ایران در طول این بیست هفت سال فتنه فریب خوردگان پنجاه و هفتی، همواره نشان داده اند از به اصطلاح اپوزیسیون جلوتر هستند، پیش از تابستان مقدمات آنرا می چیندند تا با یک اراده ملی و رهبری واحد بتوانیم در کمتر از آن زمانی که حتی بشود پیش بینی کرد اشغالگران انیرانی را از کشور عزیزمان ایران برای همیشه بزوداییم .

همین امروز هم شنیده می شود :

## " اگر دستم بریده شود سند جدائی آذربایجان را امضا نمی کنم "

**و از پس آن سخنی دیگر است:**

**" من می خواهم که هفت دولت زیر بیرق ایران باشد و تو از من میخواهی که زیر بیرق روس یا هر جای دیگری بروم "**